

پرسش ۵۳۰: آیا در آیه (ثَانِي اثْنَيْنِ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) ستایشی برا همراه پیامبر(ص) است.

السؤال / ۵۳۰: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

سيدي ومولاي قائم آل محمد ويماينهم، السلام عليك وعلى أهل بيتك ورحمة الله وبركاته.

پرسش ۵۳۰: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و الصلاة و السلام على اشرف الخلق محمد و آله الطاهرين الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولای من! ای قائم آل محمد و یمانی آنها! سلام و رحمت و برکات الهی بر

شما و بر اهل بیت شما باد!

أستميتك عذراً سيدي، ما معنى قوله تعالى: (ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) [91]. وهل صحيح أن ابن أبي قحافة كان مع النبي الكريم(ص) في الغار؟؟

عذر مرا پذیرا باش سرورم. معنای این آیه چیست: (یکی از آن دو هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است!) [92] و آیا این درست که ابن ابی قحافه در غار همراه پیامبر اکرم(ص) بوده است؟

جزاك الله عن آل محمد أفضل الجزاء. وأرجو أن تعذرنا لما قصرنا في جنب الله وتدعو لنا الله أن يثبت أقدامنا ويغفر لنا سيئاتنا إنه على كل شيء قدير.

خداوند از آل محمد برترین جزا را به شما عنایت فرماید. از شما خواهشمندیم بابت کوتاهی در کار خدا، ما را معذور بداری و برای ما دعا نمایی که خداوند گام‌هایمان را استوار بدارد و از گناهان ما درگذرد که او بر هر چیزی توانا است.

والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: حيدر الموسوي - العراق

(سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش را نمی‌یافتیم) ([93]). و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: حيدر الموسوي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

(إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) ([94]).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

(اگر شما یاریش نکنید، آن‌گاه که کافران بیرونش کردند خدا یاریش کرد، یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما

است. خدا به دلش آرامش بخشید و با لشکرهایی که شما آن را نمی‌دیدید تاییدش کرد، و کلام کافران را پست گردانید، زیرا کلام خدا بالا و خداوند پیروزمند و حکیم است) [95].

هذه الآية ليس فيها مدح لمن رافق النبي(ص) في الغار بل فيها ذم واضح لمن رافق النبي(ص)، فالسكينة في هذه الواقعة نزلت فقط على الرسول (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ)، والملائكة جنود الله نزلوا لتأييد الرسول فقط (وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا)، وهذا يعني إخراج المرافق للرسول(ص) من ربة الإيمان؛ لأن السكينة قد نزلت على بعض المسلمين أو المؤمنين في مواضع أخرى كان فيها كثير من المسلمين مع الرسول(ص) ولم يخصص الرسول(ص) بها، وبهذا علمنا أنه لم يكن في الغار من يستحق التأييد بالسكينة والجنود غير الرسول(ص)، وهذه نصوص قرآنية تبين لك كيف أن السكينة كانت تنزل على الرسول والمؤمنين الذين معه وكيف أن الجنود ينزلون تأييداً للرسول والمؤمنين الذين معه ولم تخصص بالرسول(ص):

این آیه نه تنها برای کسی که همراه پیامبر(ص) در غار بود، مدح و ثنایی به همراه ندارد، بلکه متضمن مذمت و نکوهشی آشکار برای او است. در این رویداد، آرامش فقط بر پیامبر نازل شد (خدا به دلش آرامش بخشید) و فرشتگان که لشکریان خداوند، فقط برای تایید پیامبر نازل گشتند (و با لشکرهایی که شما آن را نمی‌دیدید تاییدش کرد) و این به معنای خارج شدن فرد همراه پیامبر از دایره‌ی ایمان است؛ زیرا در جاهای دیگر که مسلمانان بسیاری همراه پیامبر(ص) بوده‌اند، آرامش بر گروهی از مسلمانان یا مؤمنان نازل شده و این آرامش فقط به پیامبر(ص) اختصاص نیافته است. بر این اساس دانستیم که در غار، کسی جز پیامبر(ص) شایسته‌ی تایید به وسیله‌ی آرامش و لشکریان نبوده است. این متون قرآنی به شما نشان می‌دهد که چگونه آرامش بر پیامبر و مؤمنانی که با آن حضرت بوده‌اند فرود آمده است و چگونه لشکریانی برای تایید

پیامبر و مؤمنان همراهش نازل می‌گشته‌اند بدون این که به‌طور انحصاری به پیامبر(ص) اختصاص داشته باشد.

(ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ) ([96]).

(آن‌گاه خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدند فرو فرستاد و کافران را عذاب کرد، و این است کیفر کافران) ([97]).

(إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً) ([98]).

(آن‌گاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب - تعصب جاهلی - بسپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مؤمنان فرو فرستاد و به تقوی الزامشان کرد که آنان به تقوی سزاوارتر و شایسته‌تر بودند و خدا بر هر چیزی دانا است) ([99]).

تدبروا هذا الأمر جيداً: في هذه المواضع لما كان هناك مؤمنون مع رسول الله(ص) وهم بعض من كانوا معه (بعض من كانوا معه وليس كلهم) نزلت عليهم السكينة؛ لأنهم يستحقونها، فلو كان الذي في الغار مؤمناً لكان لزاماً أن تنزل عليه السكينة كما نزلت على المؤمنين مع رسول الله في مواضع أخرى.

در این موضوع به دقت تدبر کنید: در این موقعیت‌ها، به همراه پیامبر(ص) مؤمنانی بودند، و این مؤمنان قسمتی از همراهان آن حضرت را تشکیل می‌دادند (برخی از افرادی که همراه حضرت بودند و نه همه‌ی آنها)، زیرا آنها سزاوار چنین چیزی بوده‌اند؛

بنابراین اگر کسی که در غار بود، مؤمن می‌بود، می‌بایست الزاماً آرامش بر او نیز فرود می‌آمد؛ همان‌طور که در سایر موقعیت‌ها بر مؤمنین همراه پیامبر خدا فرود آمده بود.

أما إن كان هناك من يعتقد أن قول الرسول لمرافقه (لَا تَحْزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) هو مدح للمرافق فهذا شطط من القول، فانظر إلى قوله تعالى: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) [100]، وهذا يبين لك أن الله مع الكل سواء التفتوا أو لم يلتفتوا (وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ)، وهذه حقيقة ثابتة يعرفها المؤمنون الموقنون وبالتالي يتبين أن ذلك الشخص في الغار كان غافلاً ولهذا ذكره الرسول بهذه الحقيقة لعله يعيها، ولكن تكلمة الآية تبين أنه لم يع هذه الحقيقة ولم يلتفت من غفلته ولهذا لم تنزل عليه السكينة بل نزلت على الرسول فقط، وأيضاً اختص التأييد بالجنود الرسول فقط، في بيان واضح أنه لم يكن هناك مؤمن في الغار غيره (ص).

اگر کسی گمان برد سخن رسول خدا به همراهش (نترس! قطعاً خداوند با ما است) مدحی برای این همراه به شمار می‌رود، در واقع سخنی یاوه بر زبان رانده است. به این فرموده‌ی خدای متعال بنگر: (آیا نمی‌بینی که خدا هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؟ هیچ سه نفر با هم نجوا نکنند مگر آن که خداوند چهارمین آنها و هیچ پنج نفر نباشند مگر آن که خداوند ششمین آنها است و نه کمتر از این هر جا که باشند مگر خدا با آنها است و نه بیشتر از این مگر آن که خدا با آنها است، سپس همه را در روز قیامت به کارهایی که کرده‌اند، آگاه می‌کند زیرا خدا بر همه چیز آگاه است) [101]. این برای شما روشن می‌سازد که خدا با همگان است، چه آنها متوجه بشوند و چه متوجه نشوند: (وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ). این، حقیقت ثابت شده‌ای است که مؤمنان یقین‌دار، آن را می‌دانند؛ بنابراین روشن شد که آن شخص موجود در

غار، غافل و ناآگاه بود و پیامبر این حقیقت را برای او گوشزد کرد تا شاید آن را دریابد، ولی باقی مانده‌ی آیه آشکار می‌سازد که او این حقیقت را فرا نگرفته و از غفلت خود بیدار نشده است؛ پس آرامش بر او نازل نشد بلکه فقط بر پیامبر نازل گشته است. همچنین تایید به وسیله‌ی لشکریان، فقط مختص پیامبر بوده است. به بیان روشن‌تر در غار، به جز پیامبر (ص) مؤمن دیگری وجود نداشته است.

أما وصفه بأنه صاحب فهذا لا أظن أن عاقلاً يعتبره مدحاً بعد كل ما تقدم، فالرسول صاحب قومه الذين كفروا به (أولم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة إن هو إلا نذير مبين) ([102]).

اما این توصیف که وی یار و مصاحب پیامبر بوده، -با توجه به مطالبی که پیشتر گذشت گمان نمی‌کنم هیچ فرد عاقلی آن را مدح و ثنایی به شمار آورد. پیامبر با قوم خود که به او کافر بودند نیز مصاحبت داشته است: (آیا فکر نکرده‌اند که در یارشان نشانی از دیوانگی نیست و او آشکارا بیم دهنده‌ی آنها است؟) ([103]).

وقد عبر القرآن في غير موضع عن الكافر بأنه صاحب المؤمن الذي كان ينصحه: (وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا) ([104]).

قرآن در بیش از یک موقعیت، به کافری اشاره کرده که یار و همدم فردی مؤمن بوده که او را نصیحت می‌کرده است: (حاصل از آن بود، به دوستش که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت: من به مال، از تو بیشتر و به افراد، پیروزترم) ([105]).

(قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّأَكَ رَجُلًا) ([106]).

(دوستش که با او گفت وگو می کرد گفت: آیا بر آن کس که تو را از خاک و سپس از نطفه بیافرید و به صورت مردی، استوار کرد، کافر شده‌ای؟) ([107]).

ففي أحسن الأحوال إن لم تكن تلك النصيحة التي في الغار (إذ يقول لصاحبه لا تحزن إن الله معنا) كهذه التي في الآيات المتقدمة باعتبار أن كلاهما نصيحة للصاحب وتذكير له بالله ومحاولة لانتزاعه من الغفلة التي هو فيها فإنها لن تكون بأي حال من الأحوال دليلاً على مدح للصاحب فضلاً عن أن تكون منقبة له كما يدعي بعضهم.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

در بهترین حالت، اگر آن نصیحتی که در غار بوده است یعنی: (یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش! خدا با ما است!) مانند نصیحتی باشد که در آیات فوق‌الذکر گذشت، به این معنی که هر دو نصیحتی برای همراهش و یادآوری خدا به او و تلاشی برای جدا کردن او از غفلتی که در آن فرو رفته است، باشد، به هر حال هیچ دلیلی بر مدح این همراه نیست، چه برسد به این که بخواهد منقبت و مایه‌ی فخر و مباهاتی برای او باشد (همان‌طور که عده‌ای چنین گمان کرده‌اند).

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



[91] - التوبة: 40.

[92] - توبه: 40.

[93] - اشاره به قسمتی از آیهی 43 سورهی اعراف (مترجم).

[94] - التوبة: 40.

[95] - توبه: 40.

[96] - التوبة: 26.

[97] - توبه: 26.

[98] - الفتح: 26.

[99] - فتح: 26.

[100] - المجادلة: 7.

[101] - مجادله: 7.

[102] - الأعراف: 184.

[103] - اعراف: 184.

[104] - الكهف: 34.

[105] - كهف: 34.

[106] - الكهف: 37.

[107] - كهف: 37.